

پژوهشی نو

در باره روابط ایران با بیگانگان

در سده دوازدهم هجری

۲- فرانسه

سیاست استعمارطلبی انگلیس و فرانسه و رقابت و کشمکشهای دائمی آندو با یکدیگر در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی کم کم بشدت خودرسیده دامنه فعالیت های نظامی آنان بایران هم کشیده شده بود. در بخش اول این بحث (در صفحه ۲۷۹ شماره دوم سال ششم مجله نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بررسیهای تاریخی) درباره حمله يك اسکادران کشتی جنگی فرانسوی به بندرعباس و خراب کردن تجارتخانه انگلیس ها مختصراً صحبت شد. لوئی پانزدهم پادشاه فرانسه در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۷۵۱ (۱۱۶۵ هجری قمری)

تعلیم:

مهملدی روشن ضمیر

(دکتر در خاورشناسی)

« استاد یار تاریخ دانشگاه اصفهان »

شخصی را بنام سیمون روانه ایران نمود. این نماینده در اوائل سال ۱۷۵۲ به همدان رسید و در آنجا، برای عوام فریبی و بجهت آنکه بهتر و آسانتر بمقصود خود نائل گردد، بدین اسلام گروید و سپس به اصفهان روانه شد.^۱ این شخص سفیر یا نماینده رسمی نبود که بتواند با استفاده از مقام سیاسی خود بین ایران و عثمانی روابط دوستانه بوجود آورد و آنان را بر علیه روسیه متحد نماید، بلکه میتوان گفت سفر او فقط برای آن بود که دولت ایران را آماده چنین کاری کرده و سائل اتحاد فوق‌الذکر را فراهم کند.

بهر حال اقدامات وی به نتیجه نرسید.^۲ مدتی بعد یعنی در ۲۶ اوت ۱۷۶۸ (۱۱۸۲ هجری قمری) کنسول فرانسه در بصره که شخصی بنام پیرو- Pyraults بود از طرف خود نماینده‌ای بشیراز فرستاد تا برای برقراری مناسبات تجاری دو کشور مذاکراتی بعمل آورد. وی پیشنهاد کرده بود که دولت فرانسه حاضر است به اندازه کافی پارچه پشمی جهت لباس سربازان بایران حمل کرده در عوض ابریشم و پشم صادر کند.^۳

کریم‌خان زند که در سال ۱۷۶۳ (۱۱۷۷ هجری قمری) انحصار تجارتی ایران را از دست انگلیسها گرفته و نسبت به آنان هر روز بیش از پیش خشونت روا میداشت پیشنهاد فرانسویان را با کمال میل پذیرفته و از طرف خود نماینده‌ای به بصره فرستاد تا ضمن اظهار پذیرش پیشنهاد آنان و قبول همکاری تجارتی، پیشنهاد خود را نیز به اطلاع آنان برساند. کریم‌خان پیشنهاد داده بود که فرانسویان باید تعهد نمایند که هر ساله مقدار دو میلیون قواره پارچه بایران ارسال دارند.^۴ بدینصورت يك معاهده تجارتی بین دو کشور بسته

- ۱- رساله دکترای آقای کاظم صدر بزبان فرانسه درباره روابطه ایران و اروپا ۲۳۲-۲۳۱
- ۲- همان کتاب همان صفحه. منابع فارسی تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد درباره آمدن سیمون به ایران چیزی نوشته و حتی نام او را هم نبرده‌اند.
- ۳- نامه مورخ ۲۱ ژانویه ۱۷۸۱ کنسول فرانسه در بصره آرشیو ملی مکاتبات کنسولی بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از کترهدایتی، تاریخ زندیه ص ۲۴۰)
- ۴- راپورت کنسول فرانسه در بصره همان آرشیو و همان نمره (نقل از کترهدایتی ص ۲۴۰)

شد که در آن کریم خان برای دلگرمی فرانسویان بدانان قول داده بود که جزیره خارک را برای ایجاد مراکز تجاری در اختیارشان بگذارد. روسای شرکت تجاری فرانسه از این امر بسیار خوشحال و راضی شدند ولی در آن هنگام جزیره خارک هنوز در دست میرمهنا، یاغی معروف بود و کریم خان میل داشت که فرانسویان در امر راندن میرمهنا از آن جزیره اقدام کنند.

مدیران کمپانی هند فرانسه طرح پیشنهادی کریم خان و پیرو را پذیرفتند ولی در مورد ارسال کشتی های جنگی و سرباز برای راندن میرمهنا که با کمال قدرت در جزیره خارک حکمرانی میکرد مردد بودند چون کلیه قوای خود را برای بدست آوردن نقاط از دست رفته در هند احتیاج داشتند و نمیخواستند که برای بدست آوردن امتیازی جدید خطری برای تجارت هندوستان بوجود آورند یا بهتر گفته شود مدیران مذکور خیال میکردند بهتر است که موضوع جزیره خارک را به آینده موکول نمایند.

انگلیسها که چندین بار برای برقراری روابط تجاری و مخصوصاً گرفتن امتیاز جزیره خارک به کریم خان پیشنهادهای داده و نمایندگانی فرستاده بودند و هر بار بدون موفقیت بازگشته بودند اکنون جدیت میکردند که عجزاً مانع آن شوند که کریم خان با رقیب آنان یعنی فرانسویان نزدیک شده و قرارداد تجاری ببندند. چون انگلیسها خودشان دیگر راهی بدربار کریم خان نمی یافتند پاشای بغداد را واسطه کرده از او تقاضا کردند که با کریم خان تماس گرفته و از او قول بگیرد که جزیره خارک را به هیچیک از دول غرب واگذار نکند^۵. از طرفی کنسول فرانسه در بصره که به اهمیت فوق العاده جزیره خارک در امر تجارت ایران آگاهی داشت سعی و کوشش میکرد که دولت متبوع خود را بهر نحوی که شده و ادار به بستن قرارداد تجاری با ایران بنماید. کنسول نامبرده در نامه خود به فرانسه چنین مینویسد:

۵- نامه مورخ ۵ آوریل ۱۷۷۱ کنسول فرانسه در بصره، آرشیو ملی مکاتبات کنسولی بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از دکتر هدایتی، تاریخ زندیه ص ۲۴۱)

« وقتی رقیب ما موفق نشد جزیره خارك را بهر قیمتی که هست بدست آورد اکنون با تمام قوا میکوشد تا از واگذاری آن بماجلو گیری کند...»^۶ برنامه‌ای که پیرو چندماه بعد به‌مدیران کمپانی هند فرانسه مینویسد درخواست میکند که هدایائی برای سران خاندان زند بفرستند تا بهر قیمتی شده امتیاز جزیره خارك را بدست آورند. نامبرده حتی سهم هریک از سران زند را بشرح زیر تعیین مینماید :

کریم‌خان ۲۵۰۰۰ روپیه ابوالفتح‌خان ۷۰۰۰ روپیه دو برادر کریم‌خان- زند جمعاً ۳۰۰۰ روپیه شیخعلی‌خان زند ۳۰۰۰ روپیه فراهانی وزیر ۲۰۰۰ روپیه^۷. پیرو برای اهمیت دادن به پیشنهاد خود در پایان نامه مینویسد «تنها توپخانه این جزیره بمراتب از این مبلغ بیشتر ارزش دارد»^۸ در همان حال کنسول نامبرده نماینده‌ای بشیر از فرستادگان و سائل انعقاد قرارداد را آماده نماید. نماینده مذکور پس از چند ماه اقامت در شیراز نامه‌ای به کنسول نوشته اطلاع داد که کریم‌خان جواب صریح خواسته و هیبرسد آیا دولت فرانسه میتواند هر ساله سه میلیون قواره پارچه مورد احتیاج ایران را تأمین کند و اضافه کرده بود که کریم‌خان تقاضا کرده است که دولت فرانسه هرچه زودتر بایستی پاسخ بدهد تا در صورت منفی بودن آن، دولت ایران بتواند با دولت خارجی دیگر وارد مذاکره شود.^۹ با وجود تمام این کوششها یکسال هم سپری شد و از دولت فرانسه پاسخی نرسید. کنسول نامبرده در ماه ژوئن ۱۷۷۲ نامه‌ای بدولت متبوع خود نوشته با اصرار تمام

۶- همان نامه و همان صفحه

۷- همان نامه ص ۲۴۲-۲۴۱

۸- نامه مورخ ۵ آوریل ۱۷۷۱ (نقل از دکتر هدایتی ص ۲۴۱)

۹- نامه مورخ ۳۰ اوت ۱۷۷۱ کنسول فرانسه در بصره، آرشیو ملی فرانسه مکاتبات کنسولی

بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از دکتر هدایتی ص ۲۴۲)

خواهش نمود که باو اجازه دهند که بفرانسه بازگشته مزایای تجارت با ایران را اثبات کند.^{۱۰} این نامه هم بدون اثر ماند.

در نامه بعدی وی، در گزارشی که تهیه نموده بود کوشش بیهوده خود را شرح داده و از اینکه به تقاضای او اصلاح پاسخی نداده اند اظهار دل‌تنگی نمود.^{۱۱} زحمات و کوششهای متوالی پیرو بالاخره به نتیجه نرسید و این کنسول در وبای سال ۱۷۷۳ میلادی بصره در گذشت.^{۱۲} کنسول جدید فرانسه بنام روسو شخصی ادیب بوده که سالهای زیادی از عمر خود را در ایران گذرانیده و بهمین جهت بزبان فارسی و عربی آشنائی کامل داشت. پدر روسو جواهر-ساز مخصوص دربار شاه سلطان حسین بود. پس از مرگ نادرشاه و ظهور انقلاب و هرج و مرج در ایران روسو ایران را ترك کرده بصره رفت و پس از مرگ پیرو در سال ۱۷۷۳ بجان‌نشینی وی منصوب شد.^{۱۳} این شخص نیز نقشه پیرو را تعقیب نمود و حتی کوشش بیشتری نیز مبذول داشت.

در این میان کریم خان که برای سرکوبی میرمهنا از کمکهای خارجی مایوس شده بود و از طرفی حمله مستقیم به جزیره خارک را بی‌اثر میدانست لشکر زیادی فراهم آورده در سال ۱۱۸۳ هجری (۱۷۶۹ میلادی) آنرا بسرمداری زکی‌خان مأمور سواحل خلیج فارس نموده فرمان داد که کوشش شود تا در تمام نقاط از ارسال آذوقه برای میرمهنا جلوگیری بعمل آید. این امر سبب شد که در میان اطرافیان میرمهنا اختلاف بوجود آید. یکی از نزدیکان میرمهنا بنام حسن سلطان برعلیه او قیام نمود و میرمهنا که غافلگیر شده

۱۰- همان نامه و همان صفحه

۱۱- نامه مورخ ۲۰ اوت ۱۷۷۲ همان کنسول و همان آرشیو (نقل از دکتر هدایتی - ص ۲۴۳)

۱۲- نامه مورخ ۳۱ ژانویه روسو کنسول جدید فرانسه در بصره همان آرشیو و همان نمره (نقل از هدایتی ص ۲۴۳)

۱۳- تاریخ زندیه دکتر هدایتی ص ۲۴۳ و کریم خان زند، دکتر نوائی ص ۲۲۸

بود بطرف بصره فرار کرده در آنجا بفرمان عمر پاشا حکم بغداد گشته شد. ۱۴ حسن سلطان نسبت به کریم خان اظهار اطاعت نموده و جزیره خارک مجدداً بدست کریم خان افتاد. کنسول فرانسه که در این حالت موضوع کمک نظامی بایران را منتفی میدانست ب فکر افتاد که هر چه زودتر موضوع معاهده تجارتي و انحصار جزیره خارک را مجدداً به پیش بیاورد. کریم خان هم که برای لباس سربازان خود احتیاج مبرمی به پارچه داشت و از طرفی برای گوشمالی به انگلیسها در صدد یافتن فرصت بود میل داشت که با رقیب آنها، یعنی با دولت فرانسه، معاهده تجارتي ببندد ولی فرانسویان، یا بهتر گفته شود مدیران کمپانی هند فرانسه، در خواب خرگوشی فرو رفته تمام حواس خود را متوجه هندوستان مینمودند و نسبت به تقاضای کنسول خود در بصره اظهار علاقه ای نکرده بتقاضاهای وی پاسخ مثبتی ندادند.

کریم خان در سال ۱۷۷۷ میلادی (۱۱۹۱ هجری قمری) نامه ای به روسو نوشت و از او دعوت کرد تا برای انعقاد قرارداد تجارتي شخصاً به شیراز مسافرت نماید ولی چون روسو هنوز جواب مثبتی از مدیران کمپانی هند فرانسه دریافت نکرده بود، نمیتوانست تصمیمی اتخاذ کند.

روسو در نامه ای که در ۲۳ ژوئن ۱۷۷۷ نوشته بدینمطلب اشاره کرده است. ۱۵

در هر حال کوششهای مداوم کنسول فرانسه در بصره برای بستن قرارداد تجارتي با ایران بواسطه تردید مدیران کمپانی هند فرانسه و مسئولین مربوط به نتیجه نرسید.

۱۴- پارسونس ص ۱۹۶ بجمد / ویلسون ص ۱۸۲ / لو ص ۱۶۵ / کیتی گشای نامی ص ۱۶۵ بجمد / فارسنامه ناصری ص ۲۱۷ / رستم التواریخ نسخه خطی برلین ورق ۰۶۴ الف و ب / تاریخ ایران ملکم ج دوم ص ۱۳۶-۱۳۵ / روضة الصفای ناصری ج نهم ص ۸۳ / گلشن مراد نسخه خطی کتابخانه ملک تهران ورق ۸۵ الف بجمد

۱۵- آرشیو ملی فرانسه مکاتبات کنسولی بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از هدایتی -

در سال ۱۷۸۰ یعنی پس از مرگ کریم خان زند کنسول فرانسه در راه بازگشت بکشور خود گزارشی به پاریس فرستاد و در آن باطلاع وزارت دریاداری فرانسه رسانید که وی حامل فرمانی راجع به امتیازات تجارتي برای فرانسه میباشد. ^{۱۶} ولی در این تاریخ هرج و مرج عجیبی در ایران بوقوع پیوسته بود و جاننشینان کریمخان باهم بزد و خورد مشغول بودند و در این هنگام ابوالفتح خان یا صادق خان زند در شیراز حکومت میکردند یا بهتر گفته شود چنانچه گزارش کنسول فرانسه درست باشد فرمان نامبرده بایستی بهمهر و امضاء ابوالفتح خان زند بوده باشد.

کنسول فرانسه گزارش دیگری در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۷۸۱ بفرانسه فرستاد و در آن مجدداً لزوم رابطه تجارتي با ایران را تأکید کرد. در این گزارش وی یادآوری نمود کسه وضع ایران آرام و برای تجارت موقعیت مناسبی وجود دارد حتی راههای تجارتي را نیز معرفی کرد. از جمله یکی راه افریقای جنوبی و دیگری راه امپراتوری عثمانی و بالاخره چنین مینویسد: « اینجانب در مورد کمکی که دولت فرانسه میتواند بایران بکند اصرار دارم، ما میتوانیم باین کشور علیه دشمن داخلی و خارجی آن کمک کنیم بدون اینکه ما خود روزی در زمره دشمنان آن در آئیم چه ما هرگز ب فکر آن نبوده ایم که از سرحد فرات تجاوز کنیم. بدون این کشور ما نخواهیم توانست نقشه تجارتي خود را اجرا کنیم و آنچه را که روسها از این کشور گرفته اند از نو مسترد داریم. بانفوذی که ما در اروپا داریم میتوانیم برای ایران متحدین بیابیم تا این کشور امپراتوری وسیع روسیه را که قصد دارد سراسر مناطق شمالی را اشغال کند، مورد حمله قرار دهد.» ^{۱۷}

۱۶- نامه مورخ ۱۹ اوت سال ۱۷۸۰ روسو. همان آرشیو و همان نمره (نقل از هدایتی ص ۲۴۵)

۱۷- گزارش کنسول فرانسه مورخ ۱۲ ژانویه آرشیو ملی مکاتبات کنسولی بغداد جلد دوم (نقل از هدایتی ص ۲۴۶-۲۴۵)

در همین گزارش کنسول نامبرده درباره لزوم اتحاد با دولت ایران چنین اظهار میکند :

« هیچ چیز بهبوده تر از این نیست که مزایای فرانسه را در عقد این اتحاد با دولت ایران بنظر مقام وزارت برسانم چه مقام وزارت باندازه ای بصیر هستند که در همان نظراول تمام اهمیت این مسئله را درك خواهند کرد . بدون خرج و زحمت ما میتوانیم درهسای کشور وسیعی را بروی خود باز کنیم که کافی است خاک حاصلخیز آنرا کشت کرد تا محصول صد برابر بدست آورد. ۱۸»

همزمان با انعقاد معاهده صلح و رسای یعنی در سال ۱۷۸۳ دربار فرانسه کنت دوفریر سوو بوف Conte Louis Francois, de Frieres Sauveboeuf را با هیئتی بطرف ایران روانه نمود. ۱۹ این گروه در ۲۲ یولای از پاریس حرکت کرده و در ۳۱ ژانویه ۱۷۸۴ بیغداد رسیدند. ۲۰ هیئت مزبور مأموریت داشت که در ایران کوشش کند تا روابط مابین اتریش و روسیه با ایران را بهم زده و دو کشور ایران و ترکیه عثمانی را بهم نزدیک نموده ارتش آنها را بر علیه روسیه تجهیز کنند. ۲۱»

در پنجم مارس ۱۷۸۴ کنت دوفریر سوو بوف وارد اصفهان شد و بگفته خود وی ، توسط میرزا ربیع اصفهانی وزیر علی مرادخان زند ۲۲ با گرمی تمام مورد استقبال قرار میگردد . قبل از ورود وی ، سفیر روسیه در ایران بسر میبرد و مذاکراتی بعمل آورده بود . ورود سوو بوف و همراهانش درست مطابق

۱۸- همان گزارش و همان آرشیو

۱۹- رساله دکترای آقای کاظم صدر بزبان فرانسه درباره روابط ایران و اروپا ص ۲۳۶

۲۰- همان کتاب و همان صفحه

۲۱- لانگ ص ۲۰۸

۲۲- رستم التواریخ نسخه خطی برلین ورق ۴۴۵ الف / تاریخ زندیه علیرضا بن -

عبدالکریم ص ۲۳

با روزی بود که سفیر روسیه اصفهان را ترک گفت. ۲۳ در ملاقات رسمی که بین سوووف و میرزا ربیع بوقوع پیوست سوووف چنین گفت: « من با کلمات خود بدشمنان شما حمله نمیکنم بلکه فقط دست آنها را رومیکنم. پادشاه فرانسه از بدبختی، که بواسطه اعتماد کور کورانه که بزودی بدان مبتلا خواهید شد، سخت نگران است. این امر درست مانند همان سرنوشتی است که ملت همسایه شما (عثمانی) در انتظارش میباشند. سود شما در آنست که بجای دوستی با روسها، با تر کها همدست شوید. آقای وزیر، شاه فرانسه هنگامی زور بکار میبرد که با آن مناسبات بین ملتها را برقرار سازد تا آنچه بدانان متعلق میباشد بخودشان واگذار نماید. تمنای شاه فرانسه آنست که علی مرادخان نظر خود را اعلام دارد در ضمن میل دارد که مناسبات تجارتي بین فرانسه و ایران مانند زمان صفوی بسیار رونق بگیرد. ۲۴

از سفارت سوووف هم نتیجه ای حاصل نشد. این موضوع را از نامه ای که وی راجع به بی نتیجه بودن و به ثمر نرسیدن مسافرتش بایران نوشته معلوم میگردد:

«... شما می نویسید که من کاری انجام دهم. شما چه وسائلی در اختیار من نهاده اید؟ من باید با ۲۰۰۰ کو ۲۰ کاری را بانجام برسانم که رقیب با بیشتر از ۳۰۰۰ کو مشغول انجام آنست. من باید بدون هیچ نوع معرفی نامه وبدون دردست داشتن هیچ نوع عنوانی به درباری مراجعه کرده باشاه تماس بگیرم و در عقاید او نفوذ کرده و حتی نظر او را عوض کنم. ۲۶

بامرگ ناگهانی علی مراد خان در اول ربیع الثانی ۱۱۹۹ هجری (۱۱- فوریه ۱۷۸۵) و روی کار آمدن آقا محمد خان قاجار که در ابتدا با کاترین

۲۳- تاریخ سیاسی سوووف ص ۲۹/یورگا ج پنجم ص ۳۹

۲۴- رساله دکترای آقای کاظم صدر ص ۲۳۷

۲۵- Écus واحد پول فرانسه در سده ۱۷ و ۱۸

۲۶- رساله دکترای آقای کاظم صدر ص ۲۳۷-۲۳۶

دوم روسیه کنار آمده بود کنت دو فریر سوو بوف از ایران اخراج گردید. ۲۷
انقلاب فرانسه، در ادامه مناسبات بین آن کشور و ایران وقفه حاصل شد و
بروابط میان این دو کشور در این دوره لطمه شدیدی وارد آمده بکلی از
بین رفت.

۳- روسیه

دولت روسیه از اوایل قرن ۱۷ میلادی که شاه عباس به گرجستان و قفقاز
لشکر کشی نمود متوجه این نواحی شده پیوسته در پی فرصت مناسبی بود
تا در امور آنجا دخالت نموده آن ناحیه را بدست آورد.

میخائیل فدروویچ Michael Federowitch تزار روسیه پس از تاج-
گذاری خود در سال ۱۶۱۳ میلادی (۱۰۲۲ هجری قمری) سفیری بایران فرستاد.
مدتی بعد یعنی در سال ۱۶۱۸ میلادی سفیر دیگری بایران فرستاد که مقصود
از آمدن وی گفتگو درباره امور بازرگانی و گرفتن کمک مالی از ایران برای
دولت روسیه بود. در این هنگام روسیه گرفتار جنگ با سیژیسموند Sigismund
پادشاه لهستان بود لذا بکمک احتیاج فراوانی داشت. بالاخره با ارسال
سفرائی چند دولت روسیه توانست روابط نزدیک و دوستانه‌ای بایران بوجود
آورد. در سال ۱۷۱۷ میلادی (۱۱۳۰ هجری) دولت ایران بروسها اجازه داد
تا در گیلان کنسولگری دائمی برقرار نمایند.

سقوط دولت صفوی و شروع آشوب و ناامنی در ایران، تزار روسیه را ب فکر
دست اندازی و تجاوز ب خاک ایران انداخت. در سال ۱۷۲۲ میلادی (۱۱۳۵-
هجری) پتر کبیر پس از بستن اتحاد نظامی با گرجی‌ها متوجه ایران شده
سپاهی بسوی گیلان و نواحی شمالی ایران گسیل داشت.

۲۷- در سال ۱۷۹۰ سوو بوف سیاحت نامه‌ای بنام

Memoires historiques, politiques et geographiques, Paris 1790

در دو جلد منتشر نمود که میتوان آنرا یکی از بهترین منابع اوضاع اجتماعی و سیاسی
ایران در آفر زمان بشمار آورد.

روسها با ورود خود به این نواحی بخصوص در گیلان و آستارا دست بساختن بناهای نظامی زدند. ۲۸

اوضاع اقتصادی و اجتماعی این ناحیه و مردم آن در اثر هجوم روسها و از طرفی بروز وبا و طاعون بکلی مختل شد و شهرها از سکنه تقریباً خالی شده بودند. گرجی‌ها که سالها تبعه ایران بودند از این موقع سوء استفاده کرده سپاهی بزرگ فراهم کرده بکمک روسها اقدام نمودند. ۲۹

پس از آنکه روسها شهرهای دربند و باکورا را تصرف آوردند شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵ تا ۱۱۴۴ هجری قمری) ناچار شد که با روسها قراردادی بسته بیشتر شهرها و نواحی شمالی را در اختیار آنان بگذارد. ۳۰

اشرف افغان هم چون قدرت مقابله با روسها را نداشت ناچار شد پس از شکستی که در نزدیکی گیلان از آنان خورد به توقعاتشان پاسخ مثبت بدهد. جانشینان پتر کبیر سیاست استعمار طلبانه او را که پیوسته در صدد بود از راه شمال ایران به هندوستان دسترسی پیدا نماید تعقیب نکردند و حتی در قراردادی که در سال ۱۷۲۹ میلادی (۱۱۴۲ هجری قمری) در رشت با ایران بستند از مازندران و استرآباد هم صرف نظر نمودند. در همین سال چون نادر، اشرف افغان را شکست داده بود روسها ناچار شدند خود بخود مناطق اشغالی را ترک نمایند. از طرفی در این هنگام در روسیه حکومت جدیدی بروی کار آمد و آنسایوانوونا Anna Iwanowna در سال ۱۷۳۰ میلادی (۱۱۴۳- هجری) بعنوان تزار بتخت سلطنت نشست (۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰ میلادی).

تزار جدید روسیه در سال ۱۷۳۲ میلادی از تمام متصرفات خود در ایران دست کشید و نواحی گرجستان مجدداً در اختیار دولت ایران قرار گرفت.

۲۸- محمدعلی حزین مؤلف کلیات حزین و تاریخ حزین در این موقع در گیلان بسر برده و ناظر این جریانات میبوده (کلیات حزین ص ۷۷ تا ۶۰)

۲۹- مانولچ ویلی ص ۳۱۵

۳۰- کرامر ص ۱۰

طبق اظهار نظر گوستاو کرامر (G. Kraemer) مخارج زیاد نگهداری سپاه و ازدست دادن تعداد فراوانی سرباز در اثر بیماری‌هایی که در باطلاقی‌های کیلان بروز میکرد، باعث اتخاذ این تصمیم از طرف دولت روسیه شده بود.^{۳۱} در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۷۳۲ روسها با شاه طهماسب دوم قراردادی بستند و طبق آن از متصرفات خود تا رود کورا (رود کورش) صرف نظر نمودند.^{۳۲}

نادر مدتی بعد طهماسب دوم را از کار برکنار کرد و خود رسماً شاه ایران شد و بلافاصله سفیری بکشور روسیه فرستاده تخلیه سایر نواحی اشغال شده را از آن‌سان خواست. بالاخره پس از چندی نادرشاه روسها را مجبور کرد تا طبق قرارداد سال ۱۷۳۵ (۱۱۴۸ هجری) کلیه آن نقاط از جمله نواحی گنجه، بساکو و دربند را تخلیه کرده در اختیار حکمرانان ایران بگذارند. گرچه این قرارداد بنا بر گفته کرامر محض دوستی خالصانه روسها نسبت بایران (!) منعقد گردیده بود ولی از آن بی‌مدتی روابط سیاسی دو دولت ایران و روس بکلی قطع شد.^{۳۳} با وجود این قطع رابطه بین دو کشور بازرگانان بدان اهمیتی نداده بکار خود ادامه میدادند.

بازرگانان روسیه از اواسط قرن هفدهم میلادی در امر بازرگانی با ایران کوشش فراوانی داشتند چون از این راه استفاده‌های بسیار کلانی عایدشان میشد. این بازرگانان از سال ۱۶۶۴ میلادی طبق فرمان مخصوصی که از شاه ایران دریافت نموده بودند بدون پرداخت گمرک و مالیات بکار خود ادامه میدادند.^{۳۴} این استفاده سرشار روسها از تجارت در ایران باعث حسادت ملل دیگر اروپائی شد. پس از مرگ نادرشاه هنگامیکه خزانه‌های او بدست

۳۱- کرامر ص ۱۱

۳۲- همان منبع همان صفحه

۳۳- همان منبع ص ۱۴

۳۴- همان منبع ص ۸

سرداران و اطرافیان به غارت رفته بود تجار روسی موقع را مغتنم شمرده بیش از پیش بفکر بهره برداری افتادند .

سفیر فرانسه در نامه‌ای که بدولت متبوع خود مینویسد چنین گزارش میدهد: روسها تجارت خارجی ایران را بخود منحصر نموده و از این راه ثروت زیادی بدست می‌آورند . پس از مرگ نادر شاه طلا و جواهرات بسی اندازه در ایران دست بدست گشته و ارزش واقعی خود را ازدست داده است . بسیار لازم و ضروری است که ما هم به این تجارت پر سود دست انداخته رقیب روسها شویم تا از ثروت مند شدن و نیرومند شدن روسها نیز جلو گیری بعمل آوریم ...^{۳۵}

وضع گمرکی نیز بی اندازه بنفع روسها بود و از کالاهای آنان مالیاتی گرفته نمیشد و یا با اندازه‌ای قلیل بود که بنظر نمی‌آمد . پس از کشته شدن نادر شاه هنگامیکه محمدحسن خان قاجار حکومت نواحی شمالی ایران از جمله کیلان را با نیروی نظامی بدست آورد قانونی جدید برای گرفتن گمرک و مالیات از تجار وضع نمود .

طبق این قانون تجار روسی که کالاهای خود را از راه حاجی طرخان به بندر انزلی (بندر پهلوی کنونی) وارد میکردند از پرداخت عوارض گمرکی معاف بودند فقط ملزم شدند که تعداد بسته‌های کالا و مال التجارهائی را که بفروش میرسانند با اطلاع اداره گمرک رسانیده و نام خریداران را نیز اعلام دارند . بطوریکه بنظر میرسد عوارض گمرکی که طبق قانون جدید باین کالاها تعلق میگرفت پنج درصد قیمت اصلی کالاها بود که از خریدار گرفته میشد . اما چنانچه تجار روسی کالاهای خود را بهرشت وارد میکردند ملزم بودند همان مالیاتی را که از ایرانیان گرفته میشد بپردازند .

بازرگانان روسی که به ندادن گمرک و مالیات عادت کرده بودند بدادن عوارض گمرکی راضی نبوده درصدد برآمدند از پرداخت آن

۳۵- آرشوملی مکاتبات کنسولی فرانسه جلد هفتم نمره ۷۳ (نقل از صدر ۲۳۱)

معاف کردند. کنسول روس بنام گاوریه لوسمنو ویچ بوگولوبو Gawrielo Semenowitsch Bogulubow توانست پس از رفت و آمدهای زیاد و گفتگوهای پی در پی با هدایت الله خان گیلانی حاکم رشت تجسار روس را از پرداخت این گمرک و مالیات معاف کند. ۳۶

یکی از کالاهای صادراتی ایران که بسیار مورد پسند اروپائیان بود پارچه های کتانی بنام قدک بوده که روسها از راه دریای خزر صادر می کردند. بقول موریه روسها از این پارچه برای لباسهای زیر سربازانشان استفاده می کردند. ۳۷ هنگامیکه روسها گرفتار جنگ با عثمانیان بودند نقشه های استعمار طلبانه پتر کبیر را عجالتاً در بوته فراموشی نهاده بودند ولی زمانیکه گرجیها (مخصوصاً در قسمت های کاخ و کارتلی) بواسطه اغتشاش و جنگهای داخلی در مرز ایران ب فکر خود مختاری افتاده بودند روسها موقع را مناسب یافته مشغول تحریک آنان شدند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند.

در سال ۱۱۸۰ هجری (۱۷۶۶ میلادی) یک گروه نمایندگی بازرگانی روسیه در شیراز ب خدمت کریم خان زنده رسید و هدایای جالبی تقدیم وی نمودند. نمایندگان مزبور توانستند موافقتنامه ای (احیاناً برای انجام امور بازرگانی) از کریم خان گرفته مراجعت نمایند. ۳۸ ده سال بعد هنگامیکه سپاه ایران مشغول محاصره بصره بود ب کریم خان خبر رسید که روسها در دربند پیاده شده اند که از آن راه به عثمانیان حمله کنند. کریم خان فوراً نامه ای به فتحعلی خان قبه ای، یکی از بزرگان آن ناحیه نوشته بدو فرمان داد که از روسها جلو گیری بعمل آورده آنان را پس راند. کریم خان فرمائی هم در این زمینه به حاکم رشت نوشته همان دستور را صادر نمود. ۳۹ این دو سردار توانستند

۳۶- رک به اولیویه ج سوم ص ۱۸۹

۳۷- همان کتاب ص ۱۵۶

۳۸- گلشن مراد نسخه خطی کتابخانه ملی ملک تهران ورق ۸۹ ب

۳۹- رستم التواریخ نسخه خطی برلین ورق ۳۷۶ الف وب / گلشن مراد ورق ۳۳۹ بعد /

دورن ص ۵۳۱

سپاه روس را که بالغ بر چهل هزار نفر بودند شکست داده مجبور به عقب نشینی کنند. کریم خان بواسطه این پیروزی فرمان حکومت شیروان و نواحی آنرا بنام فتحعلی خان قبه‌ای صادر کرده برای او فرستاد.^{۴۰}

در اواخر دوران زندیه یعنی در سال ۱۱۹۷ هجری (۸۲-۱۷۸۱ میلادی) چند کشتی روسی تحت فرماندهی گراف ووینوویچ Graf Woinowitsch برای انجام مقاصد استعمارطلبانه خود در سواحل استرآباد نزدیک اشرف لنگرانداخته تقاضای گرفتن پروانه ساختمانی جهت بنای مرکز تحقیقاتی نمود. رضاقلی خان هدایت در این باره چنین گوید: «اجمال این تفصیل آنکه کرافس- نامی روسی باجمعی از روسها در اوآخردولت کریمخان بر سبیل تجارت از دریای خزر بساحل بندر انزلی نزول کرد چندی در رشت میگذشت و از آنجا به آمل و ساری و بارفروش آمده سواحل و بنادر و مواضع معابر قریب بیچر- خزر را بدقت سیر و نظاره میکرد و باشرف و فرح آباد رفته صورت کوه و صحرا و جنگل و دریا و عجایب عمارات و قصور و غرایب و حوش و طیور را بر صفحه قرطاس منقوش کرده حصول بلدیت بلاد و معابر و مراصد را قاصد بود در این سال که شهریار بیهمال بگیلان نهضت فرمود کرافس نام روسی که گرگی بود در لباس میش و بیهانه تجارت و معامله بدارالمرز آمده قصد کاری بزرگش در پیش بود با چند فروند کشتی که در هر یک اسباب و ادوات رزم و حرب و اسلحه و یراق طعن و ضرب توده توده و بسته بسته و دسته دسته آماده داشت با اهالی کشتی و مایحتاج کارنرمی و درشتی در محاذات کراودین اشرف قریب بساحل لنگر افکند و از شاهزاده آزاده فتحعلی خان جهان بانی که بر نیابت عم امجد در مازندران ایالت داشت استدعای قطعه زمینی که او و همراهان او را کفایت کند کرد که در آن محل عمارتی سازد و جسارتی آغازد تا در هنگام فرصت مگر کاری از پیش برده باشد و همانا که شاهد این مسئول بنا بر امتحان مقبول افتاد و آن طائفه خائن از سفاین بر آمده بیع و شری را بهانه کرده امتعه نفیسه

۴۰ - رای نگ ص ۱۳۴-۱۳۳/دورن ص ۴۱۸ ببعد

خود بهای رخیصه میفروختند و اقمشه نفایه مردم را بقیمت گسرانمایه میخریدند تا از آلات و ادوات آهنین حصارى متین برپا کردند و مرغان وحشى رستاقى دارالمرزرابدانه ریزی دردام امتنان می آوردند...^{۴۱}

آقا محمدخان قاجار که پی به نیت خائنانه روسها برده بود فرمانی جهت فتحعلی خان برادر زاده خود صادر کرده دستور توقیف آنانرا صادر نمود. فتحعلی خان هم طبق آن دستور یکی از نزدیکان خود بنام حاجی محمد آقای - عمرانلو را مأمور توقیف آنان نمود و پس از اجرای امر همگی را روانه کشورشان روسیه نمودند^{۴۲} از طرف دیگر مقاصد استعمار طلبانه روسها بواسطه قدرت دولت مرکزی ایران که در دست علی مرادخان زند بود نمیتوانست بمرحله اجرا درآید لذا از دردیگروارد شده در سال ۱۱۹۹ هجری (۱۷۸۴- میلادی) سفیری بدربار علی مرادخان زند به اصفهان فرستادند. سفیر نامبرده از علی مرادخان زند تقاضای انحصار تجارت گیلان و مازندران و پروانه بنای يك ساختمان در ساحل شهر در بند نمود. علی مرادخان پس از مدتها تفکر به تقاضای سفیر روس جواب مثبت دادند^{۴۳} ولی بلافاصله پس از رفتن این سفیر نماینده غیررسمی فرانسه بنام فریر سوو بوف به اصفهان وارد شده بخدمت علی مرادخان بار می یابد.^{۴۴} وظیفه نماینده دولت فرانسه آن بود که نفوذ روسها را در دربار ایران کم کرده از ادامه تجارت آنان جلوگیری نماید. ولی بسبب

۴۱- روضة الصفا ج ۹ ص ۱۷۲ تا ۱۷۴

۴۲- همان کتاب ص ۱۷۴ / روسها باز هم از تعقیب نقشه خود دست برنداشتند. کاترین دوم در سال ۱۷۸۳ قراردادی باهرا کلیوس دوم حاکم گرجستان بست و طبق آن قرارداد اجازه داشت بنواحی قفقاز حمله کرده راه خود را بسایران و سپس هند باز نماید (ساندرس) ص ۲۳۹ و ۲۰۷ مانولویچ ویلی ص ۳۳۵ - ۳۳۴ / کرامر ص ۱۵

۴۳- در اینجا باید در نظر داشت که علی مرادخان گرفتار در قیاب سرسخت و خطرناکی در شمال ایران شده بود بنام آقا محمدخان قاجار لذا ممکن است قبول تقاضای سفیر روسیه از طرف علی مرادخان برای جلوگیری از توسعه نفوذ روزافزون رقیب نامبرده بوده است.

۴۴- سوو بوف ج دوم ص ۲۹ / لانگ ص ۲۰۸

مرگ علی مرادخان (اول ربیع الاول ۱۱۹۹ هجری ۱۱ فوریه ۱۷۸۵ میلادی) نتیجه مذاکرات وی با سوو بوف پنهان مانده و معلوم نیست چه تصمیمی اتخاذ نموده بود .

با روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار در روابط سیاسی ایران و روس تحولات جدیدی بوجود آمد که محتاج به بحث جدا گانه‌ای است.

منابع و مأخذ :

۱ - کتب ایرانی :

گلشن مراد ، میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی ، نسخه خطی کتابخانه ملک تهران

رستم التواریخ ، محمد هاشم رستم الحکما (خوش حکایت . آصف) نسخه خطی برلین

تاریخ زندیه ، علیرضابن عبدالکریم . چاپ لیدن ۱۸۸۸ میلادی

تاریخ گیتی گشا ، میرزا محمد صادق نامی . چاپ تهران ۱۳۱۷

فارسنامه ناصری جلد اول ، حاجی میرزا محمد حسن فسائی چاپ سنگی

تهران ۱۳۱۳

کلیات حزین ، محمدعلی حزین ، چاپ سنگی کانپور ۱۸۹۳ میلادی

روضه الصفای ناصری جلد نهم چاپ قم ۱۳۳۹

تاریخ زندیه ، دکتر هادی هدایتی ، تهران ۱۳۳۷

کریم خان زند ، دکتر عبدالحسین نوائی ، تهران ۱۳۴۴

۲ - کتب خارجی :

Parsons, Abraham :

پارسونس

Travel in Asia and Africa, London 1808

Sauveboeuf, de Frieres, Comte Louis Francois :

سو بوف

Memoires historiques, politiques et geographiques, Paris 1790

- Malcolm, Sir John : ملکم
The History of Persia, London MDCCCXV vol. II
- Wilson, Arnold T. : ویلسون
The Persian Gulf, Oxford 1928
- Jorga, N. : یورگا
Geschichte des osmanischen Reiches, Bd. IV und V
- Lang, David Marshall : لانگ
The last years of the Georgian Monarchy 1658-1832, New York 1957
- Low, Charles Rathbuns : لو
History of the Indian navy 1613-1863, London 1877, I Bd.
- Sadr, Kazem : کاظم صدر
Relations de l'Iran avec l' Europe de l' Antiquite, du Moyen-age...
Paris 1938
- Manvelichvili, Alexandre : مانولیچ ویلی
Histoire de Géorgie, Paris 1951
- Krahmer, Gustav : کرامر
Die Beziehungen Russlands zu Persien Bd. VI, Leipzig 1903
- Olivier, G. A.: اولیویه
Reise durch das türkische Reich, Egypten und Iran während der
Jahre 1792 bis 1798, wien 1809
- Dorn, Bernhard: دورن
Beiträge zur Geschichte der kaukasischen Länder u. Volker ...
ed. Leipzig 1967
- Reineggs, Jakob : رای ننگ
Allgemeine historisch - topographische Beschreibung des Kaukasus,
Gothae u. St. Petersburg 1796
- Sanders, A. : ساندرس
Kaukasien, München 1942